

داستان

تقریب بین مذاهب اسلامی

* * *

بسیار دوست داشتم که اگر می توانستم از آن اجتماعات که در دارالتقریب تشکیل میشد سخن بگویم. مصری در کنار ایرانی، لبنانی، عراقی؛ پاکستانی یا ملل اسلامی دیگری نشست و یا حنفی و مالکی و شافعی و حنبلی در کنار شیعه امامی و زیدی بر سر میز غذای واحدی قرار میگرفت و در آن مجلس فقط صدای علم و ادب؛ فتنو. شنیده می شد و روح برادری و ذوق مودت و محبت و رفاقت، تعلیم و تربیت معنوی با آن همراهی می کرد.

* * *

میل داشتم که اگر میتوانستم نقش مردی مانند مرد پاکدل و پاک زبان و مرد علم و اخلاق؛ استاد بزرگ شیخ مصطفی عبدالرزاق، یا مردی با ایمان و با اطلاع از علوم مختلف اسلامی، و محیط با اصول و فروع مذاهب فقهی - که دارالتقریب در ابتدای کار خود از وجود او حداکثر استفاده را کرده است -؛ استاد بزرگ شیخ عبدالمجید سلیم یا مرد پر تجربه و افتخار محافل علم و فکر؛ استاد محمد علی علویه را، بخوبی روشن کرده و نشان دهم. و یا میتوانستم از افراد بسیاری سخن بگویم که خود را وقف این دعوت اسلامی کرده و کوشش خود را بر محور آن مطابق ساخته و پدیدارالتقریب بمثابه راهی برای تحکیم نیروی مسلمانان و روشن ساختن نیکی های اسلام، ایمان آورده اند.

و همچنین از رهبران فکری مسلمانان در بسیاری از بلاد اسلامی نام ببرم که به دارالتقریب پیوسته اند و کوششهای خود را برای پیشرفت اصول تقریب بکار برده اند و با آنان روابط علمی و فکری داشتیم و بسیاری از بر نامه ها ، پیشنهادها ، نامه ها بین ما و آنان مبادله میشد که پیشاپیش آنها مرحوم امام بزرگ حاج آقا حسین بروجردی - احسن الله فی الجنة متواه - و مرحوم امام شیخ محمد حسین کاشف الغطاء و مرحوم امام سید عبدالحسین شرف الدین رضی الله عنهما قرار داشتند .

این رهبران معروف ، راه و دعوت تقریب را از نخستین روز پیدایش با آغوش باز استقبال کرده و دلها و افکار خود را بسوی آن متوجه نمودند و بهترین کوششها را در این راه انجام دادند تا به پیشگاه پروردگارشان شتافتند . اینان تاریخی دارند که باید ذکر شود و بر تریهائی دارند که باید نوشته شده و ضبط گردد .

البته علاوه بر اینان ؛ افراد زیادی دیگری نیز بوده و هستند که ما اکنون در صدد شمارش تعداد آنها نیستیم . اینها بسوی پروردگار خود شتافته اند ، ولی ما برادران دیگری نیز داریم که باین فکر ایمان دارند و هنوز هم در راه بسط و توسعه و تحکیم آن می کوشند ، اینان رهبران اسلام و پرچمداران فکر در بلاد مختلفه اسلامی هستند خداوند به همه آنان طول عمر عنایت بفرماید : « من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه ، فمنهم من قضی نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا » از افراد با ایمان مردانی هستند که به پیمانی که با خدا بسته اند وفا کرده اند ، بعضی از ایشان پیمان خود را بسر برده و شهادت یافته اند - و بعضی از ایشان منتظرند و بیهیچوجه تغییری نیافته اند .

* * *

البته اگر این گوشه ای از برخورد دوستانه و تأیید از فکر تقریب بود ، در گوشه دیگری نیز مبارزه و معارضه بر ضد آن بچشم میخورد که میخواست جلو پیشرفت این فکر را بگیرد ، چنانکه هر قدم و دعوت اصلاح طلبانه ای همیشه از طرف کسانی که با آن آشنا نیستند ، مواجه با چنین معارضه هائی میشود .

در واقع دعوت به تقریب بمیزان اهمیت و بزرگی هدف خود مورد معارضه و هجوم قرار گرفت و البته این موضوع انواع و اشکال گوناگونی داشت .

در ابتدای دعوت تقریب محیط مملو از طعن و تهمت ، آمیخته از افتراء و سوء ظن از هر فرقه ای نسبت بدیگری بود . و تشکیل جماعت تقریب ، از افراد مذاهب مختلفه اسلامی

مذاهب اربعه سنی و امامیه و زیدیه از شیعه - پیروزی روشنی بود که مخالفان را بر انگیزخت و دعوت تقریب از طرف گروه‌هایی از متعصبین هر فرقه، مورد حمله قرار گرفت سنی خیال کرد که تقریب می‌خواهد آنها را شیعه کند و شیعی گمان کرد که ما می‌خواهیم آنان را سنی بکنیم! اینان و کسان دیگری که هدف تقریب را نفهمیدند و یا نخواستند بفهمند! گفتند که تقریب می‌خواهد مذاهب را الفاء کند یا آنها را در یکدیگر ادغام سازد!

عده‌ای نیز همانند کسانی که سوء غرض داشتند و متأسفانه در میان هر ملت‌ای این قبیل افراد پیدامی‌شوند - با این فکر بجنک پرداختند و همچنین کسانی که منافع خود را در تفرقه و تشتت می‌دیدند با آن مبارزه کردند چنانکه افکار مریض و صاحبان هوا و هوس و انگیزه‌های خصوصی نیز با آن به نبرد پرداختند و قلم‌های خود را هم بخاطر سیاست تفرقه‌جویانه‌ای که داشتند بکار بردند و چنانکه با هر نهضت اصلاحی مبارزه می‌کنند و مانع هر عملی می‌شوند که باعث وحدت مسلمانان می‌گردد؛ بطور مستقیم یا غیر مستقیم با آن به نبرد پرداختند.

آنان هر کدام از راه خود و بنوبه خود و با اندازه قدرت خود برای کوبیدن این نهضت اصلاحی که بر پایه علم و بحث و تحقیق استوار بود و هوادار باز بودن میدان در مقابل دلیل - از هر طرفی که باشد - بود استفاده کردند.

* * *

من بسیار میل داشتم که اگر می‌توانستم، همه این مسائل را خودم در کتاب **قصه التقرب** (۱) بنویسم و تفصیل آنرا؛ آنطور که احساس می‌کردم شرح دهم و نقش مجله **رسالة الاسلام**، را توضیح دهم که وظیفه و رسالت تاریخی خود را بخوبی انجام داد و مرکز نشر آراء و افکار دانشمندان هر فرقه‌ای بود که با مقالات و بحث‌های علمی خود آنرا یاری می‌کردند، بطوریکه همه منتظر انتشار آن بودند و شماره‌های آن در کتابخانه شیعه‌وسنی بطوریکسان پیدامی‌شود و از فرهنگ و علوم آن، غربی‌ها همانند شرقی‌ها بهره‌مند شوند. گر چه من نتوانستم این موضوعات را تشریح کنم. ولی کافیت که با این مقدمه به گوشه‌هایی از این داستان تاریخی اشاره کرده باشیم.

* * *

ما خدا را سپاسگزاریم که اکنون فکر تقریب نقطه تحولی در تاریخ فکر اصلاحی اسلامی

(۱): کتابیست که استاد محمد تقی قمی درباره تقریب تألیف کرده‌اند.

گشته و تأثیر عمیق و وسیعی از خود بیادگار گذاشته است .

مسلمانان باید افتخار کنند که آنان جلوتر و زودتر از دیگران بفکر تقریب بین مذاهب خود و بفکر ایجاد وحدت کلمه بین خودشان افتادند و در این راه در سایه اخلاص اداره کنندگان آن و تفکر صحیح مسلمانان عصر ما ، پیروز شدند ما از خداوند ادامه پیروزی این دعوت و این راه را خواستاریم تا اسلام مجد سابق و مسلمانان عزت و عظمت لازم خود را از نو بدست آورند و گفتار خداوند درباره آنان تحقق یابد که میفرماید : «کنتم خیرامة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله » شما بهترین جمعیت هستید در صورتیکه مردم را به نیکی دعوت کنید و از بدیها بازدارید و بخداوند ایمان بیاورید .

و قل هذه سبيلي ادعوا الى الله على بصيرة أنا و من اتبعني ، بگو این طریقه من است خود و پیروانم را با کمال بصیرت و بینائی بسوی خدا دعوت مینمایم . و یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم ، ای کسانی که ایمان آورده اید ندای خدا و رسول او را در حالیکه شما را به کاری که زندگانی شما در گرو آنست ، دعوت میکند ، پاسخ بگوئید . والسلام علیکم ورحمة الله .

گوشه‌ای از سرانجام کارها

امیر مؤمنان علیه السلام میفرماید:

کسیکه بر زبان خود مسلط نباشد ، پشیمان میگردد .

کسیکه دانش طلب نکند ، در جهل میماند

کسیکه از گناهان پرهیز نکند ، عقل و ادراکش صفا و کمال پیدا نمیکند .

کسیکه میخواهد از غیر راه حق ، تحصیل عزت کند ؛ عاقبت ذلیل میشود .

و کسیکه با حق و حقیقت بمبارزه برخیزد ، سرانجام ناتوان و زبون میگردد .

(بحار الانوار جلد ۱۷)